

## پیش‌خوان

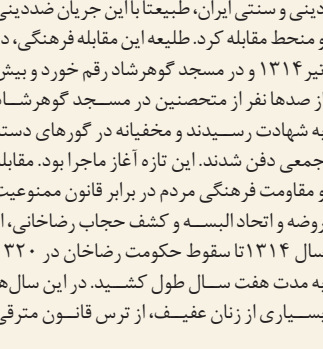
روایت‌ها و ناگفته‌هایی از رویداد کشف حجاب در یکی از محلات مذهبی اصفهان

### «تنگ سالی» در آیین‌ه واگویی‌ها

■ محمدرضا کائینی



داشته است. این روایات، حالات اهالی محله علی قلی آقای اصفهان را نمایان ساخته که از محلات مذهبی این شهر قلمداد می‌شود. دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی که این اثر را روانه بازار نشر ساخته، در دیپاچه آن چنین آورده است: «در سال‌های آغازین قرن چهاردهم که مصادف بود با روی کار آمدن رضاکامسیم، ایران در مستیز جدیدی قرار گرفت. این مسیر را منورالفکری غرب‌زده باطراحی انگلیس و اتکا به مسلسل پهلوی، پیش‌روی ملت ایران گذاشت که برای بود ادامه ره کارهای اروپایی و تمدن غرب قرار می‌شدند. این تازه آغاز ماجرایی بود که مقصود، از متحدالشکل کردن لباس‌ها، ممنوعیت روضه، کشف حجاب زنان و… گذر می‌کرد. جامعه دینی و سنتی ایران، طبیعتاً با این جریان ضددینی و منحط مقابله کرد. بطیعه این مقابله فرهنگی، در تیر ۱۳۱۴ و در مسجد گوهر شاد رقم خورد و بیش از صدها نفر از متحصنین در مسجد گوهرشاد به شهادت رسیدند و مخفیانه در گورهای دسته جمعی دفن شدند. این تازه آغاز ماجرا بود. مقابله و مقاومت فرهنگی مردم در برابر قانون ممنوعیت روضه و اتحادالسبّه و کشف حجاب رضاخانی، از سال ۱۳۱۴ تا سقوط حکومت رضاخان در ۱۳۲۰ به مدت هفت سال طول کشید. در این سال‌ها بسیاری از زنان عفیف، از ترس قانون مترقی



■ جمعی از زنان کشف حجاب شده عشاری که بر لباس محلی پالتو و کلاه پوشیده‌اند!

کشف حجاب؟! از خانه بیرون نیامدند و از تحصیل باز ماندند، بیمار شدند و بسیاری با بیماری در خانه‌شان از دنیا رفتند! هزاران زن ایرانی زیر چکمه قزاقی‌ها، مجروح و حتی شهید شدند. هزاران نفر از مردم ایران از بز گزاری در مجالس روضه منع شدند و از این قبیل. سال‌ها پیش از دفاع هشتت ساله ایران باقیمان حزب بعث، مقاومت فرهنگی بدیع و مهمی با محوریت زنان در ایران شکل گرفت که باید آن را هفت سال دفاع مقدس فرهنگی نامید، اما قصه‌های این مجاهدت فرهنگی، هنوز ثبت و ضبط نشده است. حال که بیش از ۸۰ سال از این برهه می‌گذرد، ضروری دانستیم تا روایت‌های شفاهی و اسناد برجمانده از این غیرت تاریخی را ثبت و روایت کنیم تا هم روی زنان شهید تاریخ معاصر باشیم و هم آنچه را که با عنوان ایران نوین رضاخانی مطرح می‌شود، پیش چشم نسل حاضر و نسل‌های بعد ترسیم کنیم…»

«تنگ سالی» در صدر روایت‌های مربوط به کشف حجاب، اشاراتی به قرار بی آمده دارد: «اولین زرمه‌های تغییر لباس، در سال ۱۳۰۶ آغاز شد. در ۹ اسفند ۱۳۰۶، خانواده رضاشاه برای حضور در مراسم تحویل سال، بدون حجاب کامل به زیارت حضرت معصومه (ع) رفتند. خبر این جسارت به گوش مردم و آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی رسید که از روحانیان قوم بود. ابتدا به خانواده شاه پیام داد: اگر مسلمانید، نباید با این وضع حضور بایبید، اما وقتی دید پیام مؤثر نبود، شخصاً به صحن رفت و به خانواده شاه اخطار داد. شاه با شنیدن این خبر به قم رفت. با چکمه وارد حرم شد و بافقی را به فحش و کتک گرفت. بافقی دستگیر و از قم تبعید شد. این نخستین مخالفت آشکار رضاشاه با روحانیان بود. گام بعدی رسمی کردن تغییر لباس، یعنی تبدیل این طرح به قانون در دستور کار قرار گرفت و لایحه آن تقدیم مجلس شد. با تصویب‌شدن طرح، طبق نظام لباس متحدالشکل لباس رسمی مردان شد؛ کلاه پهلوی، لباس کوتاه‌اعم از نیم‌تنه یقه عربی یا یقه برگردان و پیراهن و شلوار. روحانیان هم از این قاعده مستثنا نبودند، مگر چند طبقه خاص مثل مراجع تقلید، مجتهدان، طلاب مشغول به تحصیل فقه و چند گروه دیگر. بقیه روحانیان نیز می‌بایست با دادن آزمون و تصدیق وزارت معارف، برای پوشیدن لباس جواز در یافت کنند…»

# تاریخ



علی‌اکبر داور در کنار رضاخان. در حاشیه‌ی یکی از بازدیدها

**در دوره‌ای که داور به‌ز عم خود در حال دایر کردن عدلیه دنیا پسند در کشور بود، استقلال دستگاه قضا در هر دو جنبه سازمانی و فردی مورد تعدی قرار گرفت. این تعدی با نادیده‌انگاشتن اصول ۲۷ و ۲۸ قانون اساسی مشروطه که به موضوع تفکیک قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه، قضائیه) تصریح داشت، انجام پذیرفت و بدین‌سان وزیر عدلیه که خود نماینده قوه مجریه (وزیر عدلیه) به شمار می‌آمد، نظارتی عالی‌بر قوه قضائیه یافت و در طول سال‌های بعد نیز کوشید به اصلاح ساختار قوانین و اداره این دستگاه بدان‌گونه که خواست رضاشاه بود و قدرت مطلقه او را تضمین می‌کرد، همت گمارد**

متمم قانون اساسی در دوران تصدی بر وزارت عدلیه ارائه داد وبعدهاکوشید آن را به شکل قانونی رسمیت بخشد، دومین ضربه را به استقلال دستگاه قضا وارد کرد. در واقع تفسیر داور از اصل ۸۲متمم‌قانون‌اساسی، به وزیر دادگستری این اجازه را می‌داد(برخلاف اصل تفکیک قوا) که بنایسر میل وصلحت، محل خدمت قضات را تغییر دهد. تفسیر این اصل بدان معنا بود که اگر یک قاضی در عدلیه حکم مخالف با دولت یا شاه صادر می‌کرد، بدون اینکه خود بخواهد، رئیس دستگاه قضا این حق را می‌یافت که محل خدمت او را تغییر دهد. داور علاوه بر این موضوع، کوشید تا با ورود به حوزه نظارت بر عملکرد قضات و نیز نحوه جذب قضات، استقلال فردی قضات را به دست حکومت از بین برده، به نوعی قضات را به آلت دست حکومت تبدیل کند.البته ذکر این نکته ضروری است که حذف استقلال فردی در عدلیه، محدود به قضات نبود و قدرت وکلای دادگستری در مقابل دولت هم، براساس ماده۱۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه از دست رفت. این موضوع بدان معنا بود که وزیر عدلیه می‌توانست وکلای دادگستری را به‌خاطر فعالیت‌های خاص، سوء ادب و… از وکالت کردن ممنوع و محروم کند و حتی تقاضای رسیدگی انتظامی برای آنها نماید. در واقع داور با مجموعه اقداماتی که در عدلیه نوین به انجام رساند، استقلال آن راه‌هم به‌طور سازمانی و هم به‌طور فردی (قضا و وکلای دادگستری)، به نفع حکومت مطلقه رضاشاهی از بین برد.

■ **توسعه قضاوت عرفی، برای انزوای روحانیت**
علاوه بر آنچه بدان اشارت رفت، در باب موضوع عرفی کردن نظام قضایی و تحدید قضاوت شرعی – که یکی از مهم‌ترین موضوعات در زمینه تحدید قدرت روحانیان و زمینه‌های لازم برای انتقال قدرت از این طبقه سنتی به دولت (و به بیانی درست‌تر شخص رضاشاه) بود- باید به ذکر این نکته پرداخت که در دوره رضاشاه، در اثر ایجاد تشکیلات قضایی عرفی، تصویب قوانینس ماهوی عرفی، کوتاه کردن دست روحانیون از امور کشور و از جمله امور قضایی و توجه به تحصیل کردگان دانشگاهی، همه امور قضایی‌اعم از مدنی و جزایی، تابع قضاوت عرفی شد. فقط قسمت نظردولت، «شهرک سه‌سپاهی مرکزی» را تأسیس کرد. بدین ترتیب دولت به واسطه سلطه اقتصاد را تحت‌تاریخ خود در عرصه‌عقاردارا گسترش داد وبخش دیگری از منابع قدرت اقتصادی کار وبری سروسامان دادن به تصدی دولت در حوزه تجارت خارجی و ایجاد یک تشکیلات متمرکز زیر نظر دولت، «شهرک سه‌سپاهی مرکزی» را تأسیس کرد. بدین ترتیب دولت به واسطه سلطه اقتصاد را

علاوه بر آنچه در بالا دربراه اقدامات داور برای ایجاد محکمه‌دنیاپسندآمد، باید به این نکته نیز اشاره کرد ووجودی که محکمه دنیاپسند به‌زعم داور در ایران تشکیل شد، پس از خروج رضاشاه از کشور بسیاری از مردم ایران در خصوص فساد موجود در دستگاه‌های دولتی، نظمی و خصوصاً عدلیه نظر خوشی نداشتند و بر این باور بودند که جنایتکارییسه‌نام قاضی، بر جان و مال مردم حکومت می‌کنند.البته این موضوع محدود به قاطبه مردم نبود و حتی برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی نیز در سخنرانی‌های خود در صحن علنی مجلس، بر لزوم مبارزه با ندزی عدلیه سخن گفتند و نماینده‌ای از لزوم «جهاد» در راه مبارزه با فساد و دزدی در عدلیه سخن گفت! محمدرضا پهلوی هم از دیگر کسانی بود که به لزوم اصلاحات قضایی تأکید داشت. بااین حساب چگونه می‌توان داور کرد تغییرات در ساختار قضایی، بیش از هر توسعه داور بنانهاده شده بود، پس از گذشت کمتر از ۱۴ سال از خروج داور از آن وزارت‌خانه، چنین انتقاداتی دربارش گفته شود. روی هم رفته باید اذعان کرد تغییرات در ساختار قضایی، بیش از هر چیز قدرت دولت را افزایش داد و امکان برخورداری از ابزار کار آمد برای برقراری نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مطلوب فراهم کرد. بی‌شک این اقدام باید گام مهمی برای نهادهای قدرت مطلقه بود. پس می‌توان نتیجه گرفت اصلاحات انجام شده در عدلیه، بیش از آنکه برای احقاق و ایجاد عدالت اجتماعی ایجاد شده بود، کار کدها وظایف دیگری در دستور کار خود داشت.

در سده اخیر تأکید بر

ایجاد سیستم نوین قضایی توسط رضاخان، همواره مورد

تأکید حامیان وی بوده است. این در حالی است که سیاهه اقدامات علی‌اکبر داور در عدلیه ایران، بیش و پیش از هر چیز تلاش

برای تثبیت حاکمیت مطلقه شاه را نشان می‌دهد. مقال بی آمده، ابعاد این موضوع را ایاخوانده است. منابع این پژوهش، در سرویس تاریخ «چوان» وجود دارد. امید آنکه مفید آید.

■ **دولت‌های مطلقه و تلاش برای یکسان‌سازی تکثر و تنوع**

دولت‌های مطلقه برای آنکه منافع جامعه را عین منافع دولت بنمایانند، به باز تفسیر موضوع منافع جمعی دست می‌زنند و بااین‌کار تلاش می‌کنند، سیاست رفقاری خود را برای یکسان‌سازی مردمی متکثر و متنوع، توجیه نمایند. برای رسیدن به این هدف، نیاز به سازشی‌اترش و دیگر نهاد‌های بوروکراتیک ضروری می‌نماید، لذا برای حفظ دولت مطلقه، ساخت و بافت نهادهای نظامی و دولتی تغییر یافته و بدین‌منظم تمرکز قدرت در بخش‌های قانون‌گذاری و اجرایی، نوسان‌های متکثر، مالی و دیوانی صورت می‌پذیرد. با گسترش نظام اجرایی، قضایی، فرهنگی و ارتش در نظام متمرکز، جنبه جدیدی از حکومت نیز شکل می‌گیرد و آن وضع قوانین و اجرای آن از طریق نظام قضایی دست نشانده ارتش است. در چنین شرایطی، دولت روزبه‌روز ارتش، دربار و نظام‌اداری را فریفته‌تر ساخته و تمایل برای تمرکز قدرت، از طریق اختیار گرفتن قوای قانون‌گذاری و قضایی را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب دولت‌های مطلقه، نیاز به سازشی‌اترک قدرت در جامعه را محدود کرده‌در یک‌نظام متحدالشکل کشوری ادغام می‌کردند. با این‌کار دولت‌های مطلقه، در واقع تمامی رقبا و معارضان داخلی حکومت، قدرت خود را از دست داده و حکومت مطلقه، یگانه‌قوی نوین برای اعمال قدرت بر جامعه به‌حساب می‌آید.

شرایط مذکور در ایران و مقارن با روی کار آمدن رضاخان، کاملاً قابل مشاهده بود، چراکه وی پس از کودتای ۱۲۹۹ تمام هم و غم خود را معطوف آن ساخته بود که به قدرت اول ایران بدل شود. او در این دوران با تشکیل قشون قوی – که حقوق آن نیز به‌طور منظم پرداخت می‌شد- سعی کرد به سرکوب مخالفان و خلع سلاح خان‌های یاغی و مرتد کردن آنها بپردازد. او در این راه، قدرت بزرگ مالکان و سران ایلات را شکست و یا کشیدن جاده‌های جدید که حرکت قوای موتوری در آنها میسر نبود، قدرت و نفوذ حکومت خود را تا دور افتاده‌ترین نقاط کشور گسترش دهه. بدین‌سان می‌توان گفت که حکومت رضاشاه، با متمرکز ساختن منابع و ابزارهای قدرت، تأسیس ارتش مدرن، تضعیف مراکز قدرت برآنگند، ایجاد بوروکراسی جدید و اصلاحات مالی و تمرکز منابع اداری به سستی حرکت کرد که به لحاظ ماهیت و نوع کار کرد، باید آن را دولت مطلقه یا دولت مطلقه مدرن نامید. می‌توان دریافت که با روی کار آمدن رضاشاه، موج وسیعی از تغییرات در زمینه‌های مختلف، در سبهر سیاست ایران به‌وجود آمده بود که یکی از دستاوردهای اصلی آن را بایستی در راستای تثبیت حکومت مطلقه و استحکام بخشی به ساختار نظام استبدادی حکومت رضاشاه ارزیابی کرد. در این دوره نظام قضایی و دستگاه عدلیه، از اولین وزارت‌خانه‌هایی بود که توسط پهلوی اول، دستخوش دگرگونی و نوسازی و به عبارتی «انقلاب اداری» شد و قطعاً این امر علت یا علل خاصی داشته‌که در صدر برنامه‌های نوگرایانه دولت مطلقه پهلوی قرار گرفته بود. اگر از این زاویه به

تغییراتی که در قلمرو نهاد قضا(انحلال عدلیه قدیمی و ایجاد عدلیه نوین) بنگریم، باید به جز اصلاح عدلیه، اغراض و انگیزه‌های دیگری را در وراء اقدامات به‌ظاهر اصلاح‌طلبانه رضاشاه و سایر کارگزاران حکومت وی مورد بررسی قرار دهیم.
■ **شکل‌دهی به عدلیه در راستای تثبیت دیکتاتوری رضاخان**
آنچه مسلم است اینکه انحلال عدلیه، با حمایت و پشتیبانی رضاشاه و مشورتی که او در این باره از عبدالحسین تیمورتاش گرفته بود، بر عهده علی‌اکبر داور گذارده شد. عملکرد دستگاه عدلیه در سال‌های بعد نشان داد که انحلال عدلیه و ایجاد دادگستری نوین، گام مهمی در راستای تحکیم و توجیه دیکتاتوری رضاشاهی به حساب می‌آمد، چرا که با همسو کردن نهاد قضاوت با دستگاه سیاست و به خدمت درآوردن عدلیه به منظور اجرای سیاست‌های مورد نظر رضاشاه، یکی از موانع اصلی در برابر قدرت بایی او عملاً حذف می‌شد. در چنین شرایطی اگر وی می‌خواست وزرا، رجال و آزادخواهان را مجازات کند (حبس، تبعید یا قتل)، دیگر عدلیه مستقلی وجود نداشت که در برابر این اعمال وی عرض اندام نماید و قدرت او را با چالش مواجه سازد.

پس از انحلال عدلیه، تجدید بنای عدلیه نوین در دستور کار علی‌اکبر داور قرار گرفت. در این دوران تغییرات و اصلاحات سریع و گسترده، در عرصه نظام قضایی از جمله تغییرات اساسی در سیستم قضایی و ایجاد تشکیلات نوین با الگوبرداری از نظام‌های حقوقی خارجی، در دستور کار قرار گرفت. نخستین و گسترده‌ترین اقدامات

و ایجاد عدلیه نوین) بنگریم، باید به جز اصلاح عدلیه، اغراض و انگیزه‌های دیگری را در وراء اقدامات به‌ظاهر اصلاح‌طلبانه رضاشاه و سایر کارگزاران حکومت وی مورد بررسی قرار دهیم.
■ **شکل‌دهی به عدلیه در راستای تثبیت دیکتاتوری رضاخان**
آنچه مسلم است اینکه انحلال عدلیه، با حمایت و پشتیبانی رضاشاه و مشورتی که او در این باره از عبدالحسین تیمورتاش گرفته بود، بر عهده علی‌اکبر داور گذارده شد. عملکرد دستگاه عدلیه در سال‌های بعد نشان داد که انحلال عدلیه و ایجاد دادگستری نوین، گام مهمی در راستای تحکیم و توجیه دیکتاتوری رضاشاهی به حساب می‌آمد، چرا که با همسو کردن نهاد قضاوت با دستگاه سیاست و به خدمت درآوردن عدلیه به منظور اجرای سیاست‌های مورد نظر رضاشاه، یکی از موانع اصلی در برابر قدرت بایی او عملاً حذف می‌شد. در چنین شرایطی اگر وی می‌خواست وزرا، رجال و آزادخواهان را مجازات کند (حبس، تبعید یا قتل)، دیگر عدلیه مستقلی وجود نداشت که در برابر این اعمال وی عرض اندام نماید و قدرت او را با چالش مواجه سازد.

پس از انحلال عدلیه، تجدید بنای عدلیه نوین در دستور کار علی‌اکبر داور قرار گرفت. در این دوران تغییرات و اصلاحات سریع و گسترده، در عرصه نظام قضایی از جمله تغییرات اساسی در سیستم قضایی و ایجاد تشکیلات نوین با الگوبرداری از نظام‌های حقوقی خارجی، در دستور کار قرار گرفت. نخستین و گسترده‌ترین اقدامات و ایجاد عدلیه نوین) بنگریم، باید به جز اصلاح عدلیه، اغراض و انگیزه‌های دیگری را در وراء اقدامات به‌ظاهر اصلاح‌طلبانه رضاشاه و سایر کارگزاران حکومت وی مورد بررسی قرار دهیم.
■ **شکل‌دهی به عدلیه در راستای تثبیت دیکتاتوری رضاخان**
آنچه مسلم است اینکه انحلال عدلیه، با حمایت و پشتیبانی رضاشاه و مشورتی که او در این باره از عبدالحسین تیمورتاش گرفته بود، بر عهده علی‌اکبر داور گذارده شد. عملکرد دستگاه عدلیه در سال‌های بعد نشان داد که انحلال عدلیه و ایجاد دادگستری نوین، گام مهمی در راستای تحکیم و توجیه دیکتاتوری رضاشاهی به حساب می‌آمد، چرا که با همسو کردن نهاد قضاوت با دستگاه سیاست و به خدمت درآوردن عدلیه به منظور اجرای سیاست‌های مورد نظر رضاشاه، یکی از موانع اصلی در برابر قدرت بایی او عملاً حذف می‌شد. در چنین شرایطی اگر وی می‌خواست وزرا، رجال و آزادخواهان را مجازات کند (حبس، تبعید یا قتل)، دیگر عدلیه مستقلی وجود نداشت که در برابر این اعمال وی عرض اندام نماید و قدرت او را با چالش مواجه سازد.

پس از انحلال عدلیه، تجدید بنای عدلیه نوین در دستور کار علی‌اکبر داور قرار گرفت. در این دوران تغییرات و اصلاحات سریع و گسترده، در عرصه نظام قضایی از جمله تغییرات اساسی در سیستم قضایی و ایجاد تشکیلات نوین با الگوبرداری از نظام‌های حقوقی خارجی، در دستور کار قرار گرفت. نخستین و گسترده‌ترین اقدامات



علی‌اکبر داور، در آیین سازمان حکومت رضاخان

## داور

**داور هیچ‌گاه واژه «نه» و «نمی‌شود» را در مقابل خواست‌های رضاشاه بر زبان نمی‌آورد، بلکه همانند یک مشاور حقوقی چارمساز و کارگشا در خدمت وی بود. او در واقع عصای قانونی حکومت مطلقه رضاشاه بود، به‌طوری‌که در تمام ابلاات و اقدامات رضاشاه را مساعد می‌کرد. به همین دلیل، در برهه‌ای که تقی‌زاده در مقام وزارت مالیه با افزایش مالیات و فروختن خالصجات موافقت نکرد و کلمه خطرناک «نمی‌شود» را گفت، داور در ۲۲ شهریور ۱۳۱۲ جایگزین او شد. این موضوع در اثبات حرف‌شناونی و مطیع بودن داور کفایت می‌کند**

# ۹ جوان

مقرر شد کسانی که خواهان حفظ منابع درآمدی خود و داشتن دفتر اسنادند، باید امتحان را بگذرانند. بر آنچه رفت بیفزایید که در این دوره، روحانیان از اموری چون مناصب قضایی، تعلیم و تربیت، امور فرهنگی و مذهبی هم، تا حد زیادی کنار گذاشته شدند. پس از چندی با اجرای قانون لباس متحدالشکل، تعداد زیادی از روحانیان نیز مجبور به ترک لباس شدند و دروس حوزوی در بسیاری از نقاط، رونق خود را از دست داد. به این ترتیب با کاهش کار کدهای قضایی، آموزشی و تربیتی علما، در نتیجه استفاده از نظام‌های حقوقی و آموزشی اروپایی و نظارت بر اوقاف، منزلت آنها عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفت.

■ **تصویب قوانین عرفی، برای تعطیل قوانین شرعی**

علاوه بر آنچه گفته شد، باید به این نکته اشاره کرد تصویب قوانین عرفی متأثر از حقوق خارجی که در بسیاری موارد با موازین قضایی اسلام منطبق نبود، از دیگر عوامل تحدید قضاوت شرعی و تثبیت و تحکیم قضاوت عرفی بود که در این دوره با پیگیری‌های داور در جریان بود، اما این موضوع بعضاً به واسطه مغایرت با شرع، با تأسی و احتیاط خاصی جریان داشت، چراکه احکام قضایی اسلام جزئی از اعتقادات مردم بود و چنانچه بی‌بروا مورد تعرض قرار می‌گرفت، مخالفت‌های زیادی را به دنبال داشت که خوشایند سلطنت نوپای رضاشاه نبود. در آغاز تصویب قوانین عرفی، به این بهانه صورت می‌گرفت که برای الگوی کاپیتولاسیون، تصویب قوانین مترقی و دنیاپسند لازم است، زیرا خراج‌های قوانین ایران را مناسب نمی‌دانند، بنابراین حاضر نمی‌شوند تا اتباع خود را به دادگاه‌های ایران تحویل دهند. در نتیجه با حفظ ظاهر شرعی، قوانینی به تقلید از قوانین خارجی وضع شده‌مهم‌ترین قانونی که با این تدبیر وضع شد، قانون مجازات عمومی بود که این قانون، عیناً از قوانین جزای فرانسه اقتباس شده بود. الگوی کاپیتولاسیون- مذهب بود، اما می‌توانست باعث نفوذ دولت‌های خارجی در محاکمات عدلیه‌شود- همچنین تعقیب و محاکمه اتباع خارجی، محاکمه رجال و دولتمردان و از جمله گرفتار شدن عبدالحسین تیمورتاش و نصرت‌الموله بیان مصمی‌داور، از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که وی در دوران حضور خود در عدلیه، با آنها مواجهه بود و تلاش کرد این مسائل را از سر بگذراند.

■ **داور در قامت کارگشای تمام‌عیار رضاخان در عدلیه**

با وجود فعالیت‌های گسترده‌ای که داور در عدلیه نوین از خود به انجام رساند، باید بر این نکته تأکید کرد که او به اصول و اهدافی که شایسته‌ستمتصدی دستگاه قضایی یک کشور است، هرگز قنمید نبود. او هیچ‌گاه واژه «نه» و «نمی‌شود» را در مقابل خواست‌های رضاشاه بر زبان نمی‌آورد، بلکه همانند یک مشاور حقوقی چارمساز و کارگشا، در خدمت وی بود. او در واقع عصای قانونی حکومت مطلقه هر کجا که لازم بود، بستر قانونی تمایلات و اقدامات رضاشاه را مساعد می‌کرد. به همین دلیل، در برهه‌ای که تقی‌زاده در مقام وزارت مالیه با افزایش مالیات و فروختن خالصجات موافقت نکرد و کلمه خطرناک «نمی‌شود» را گفت، داور در ۲۲ شهریور ۱۳۱۲ جایگزین او شد. این موضوع در اثبات حرف‌شنوی و مطیع بودن داور کفایت می‌کنند. داور در وزارت دارایی، دقیقاً همان شیوه‌ای را بی‌گرفت که در دوران وزارت در عدلیه، برای تحکیم قدرت مطلقه رضاشاه داشت. او در وزارت دارایی، به تقویت روند دولتی شدن تجارت خارجی پرداخت. وی برای این کار وبری سروسامان دادن به تصدی دولت در حوزه تجارت خارجی و ایجاد یک تشکیلات متمرکز زیر نظر دولت، «شهرک سه‌سپاهی مرکزی» را تأسیس کرد. بدین ترتیب دولت به واسطه سلطه اقتصاد را

علاوه بر آنچه در بالا دربراه اقدامات داور برای ایجاد محکمه‌دنیاپسندآمد، باید به این نکته نیز اشاره کرد ووجودی که محکمه دنیاپسند به‌زعم داور در ایران تشکیل شد، پس از خروج رضاشاه از کشور بسیاری از مردم ایران در خصوص فساد موجود در دستگاه‌های دولتی، نظمی و خصوصاً عدلیه نظر خوشی نداشتند و بر این باور بودند که جنایتکارییسه‌نام قاضی، بر جان و مال مردم حکومت می‌کنند.البته این موضوع محدود به قاطبه مردم نبود و حتی برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی نیز در سخنرانی‌های خود در صحن علنی مجلس، بر لزوم مبارزه با ندزی عدلیه سخن گفتند و نماینده‌ای از لزوم «جهاد» در راه مبارزه با فساد و دزدی در عدلیه سخن گفت! محمدرضا پهلوی هم از دیگر کسانی بود که به لزوم اصلاحات قضایی تأکید داشت. بااین حساب چگونه می‌توان داور کرد تغییرات در ساختار قضایی، بیش از هر توسعه داور بنانهاده شده بود، پس از گذشت کمتر از ۱۴ سال از خروج داور از آن وزارت‌خانه، چنین انتقاداتی دربارش گفته شود. روی هم رفته باید اذعان کرد تغییرات در ساختار قضایی، بیش از هر چیز قدرت دولت را افزایش داد و امکان برخورداری از ابزار کار آمد برای برقراری نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مطلوب فراهم کرد. بی‌شک این اقدام باید گام مهمی برای نهادهای قدرت مطلقه بود. پس می‌توان نتیجه گرفت اصلاحات انجام شده در عدلیه، بیش از آنکه برای احقاق و ایجاد عدالت اجتماعی ایجاد شده بود، کار کدها وظایف دیگری در دستور کار خود داشت.